بسم الله الرحمن الرحیم

مدرسه‌نمای192

## حکایت - حرص نداره که...

مال از بهر آسایش عمر است، نه عمر از بهر گِرد کردن مال. عاقلی را پرسیدند: «نیکبخت کیست و بدبختی چیست؟» گفت: «نیکبخت آنکه خورد و کِشت و بدبخت آنکه مُرد و هِشت[[1]](#footnote-1).»

مکن نمــــــاز بر آن هیچ‌کس که هیچ نکرد  
که عمر در سر تحصیل مال کرد و نخورد

گلستان سعدی

## پامنبری - باید بفهمم!

خدایا هرچه دانش به من عطا کردی برای آن بود که گستره نادانی خود را دریابم و به عظمت بی‌کرانه تو واقف شوم. خدایا هرچه توانایی به من عنایت کردی برای آن بود که شدت ناتوانی خود را دریابم و به قدرت بی­نهایت تو واقف گردم. مرا به مقدار داناترین و تواناترین بنده­هایت، خاکسار خودت بفرما.

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان

## سیره خوبان - نخست وزیر یا نخست مردم؟!

او به مردم علاقه خاصی داشت و همواره در بین مردم مستضعف حضور داشت. عمر خود را برای ارشاد مردم صرف کرد. او معتقد بود اگر مردم آگاهی پیدا کنند و بسیج شوند، با وجود رهبری امام (ره) سدی محکم در حمایت اسلام اصیل به وجود خواهد آمد که هیچ سیلابی قدرت درهم شکستن آن را ندارد. بدین خاطر به روستاهای دوردست سر می‌زد. مردم آن روستاها باور نداشتند که وزیر مملکت روزی به درد دل‌های آن‌ها گوش دهد. هرگاه از محلات پایین شهر برای سخنرانی دعوت می‌شد، با کمال میل می‌پذیرفت.

نقل از محمدرضا باهنر (فرزند شهید باهنر)

## کتاب خوب - سفر شهادت

در مقدمه این کتاب می­خوانیم: «امام موسی صدر از درس­های این واقعه برای ارائه راه­حل مشکلات و انسان­سازی و تربیت انسان بهره­ها برده و از این فرصت و از این اقدام امام سوم، درس­آموزی کرده و از آن برای راست کردنِ کژی­ها استفاده کرده­است.»

نویسنده: امام موسی صدر، ناشر: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، تعداد صفحات: 264، قیمت: 23000

## درس و بحث - جرقه پرتقالی

شمع را روشن کنید و پوست پرتقال را در چند سانتیمتری شعله­ شمع و به طور خمیده (حرف U انگلیسی) به طرف شمع  نگه دارید و از دو طرف آن را فشار دهید. مواد و گازی که از این پوست پرتقال خارج می­شود در برخورد با شعله­های شمع می­سوزد و جرقه­های زیبایی را دور آن ایجاد می­کند که تماشایی است و صدای ظریفی هم از این جرقه­ها به گوش می­رسد. دلیل این پدیده این است که پوست پرتقال شامل موادی به نام سیترال، لیمونن و لینالول است که الکل موجود در پوست پرتقال را تشکیل می­دهند. از این مواد برای کاهش فشار خون استفاده می­کنند.

## دانستنی­ها - ورزش چشمی

چشم پس از ساعت­ها نگاه کردن به صفحات و نمایشگرهای دیجتال به وضعیتی به نام (digital eye strain) دچار می­شود. چندین تمرین ورزشی چشم وجود دارد که به کمک آن­ها می­توان علائم اینچنینی را برطرف کرد. با انجام این تمرینات علاوه بر تقویت چشم­، خستگی چشم ناشی از کار را نیز برطرف خواهید کرد. تمرینات متنوعی در این­باره وجود دارد که در زیر یکی از این روش­ها را مرور می­کنیم.

ابتدا انگشت اشاره خود را با فاصله حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتی­متر روبروی چشمان خود نگاه دارید. با دقت روی انگشت خود تمرکز کنید. انگشت را بصورت افقی چندین بار و به آرامی به چپ و راست ببرید و همچنان روی آن تمرکز کنید. انگشت خود را به آرامی دور و نزدیک کنید(عقب و جلو). سپس به یک نقطه در فاصله دوردست دقیقاً روبروی انگشت خود نگاه کنید. سه بار این مراحل را انجام دهید.

## چقدر باهوشی - کی می­ره این­همه راهو؟!

یک فرد در بیستمین طبقه آپارتمان زندگی می­کرد و هر موقع که قصد داشت به‌تنهایی به خانه ( طبقه) خود برود، تا پانزدهمین طبقه با آسانسور و مابقی را با پله می­رفت. علتش چیست؟

پاسخ: زیرا قد کوتاه بود و دستش به دکمه بالاتر از 15 نمی­رسید.

## تکاپو - اولویت، رکن برنامه­ریزی

درس‌هایتان را به ترتیب اهمیت و زمانی که می‌خواهید برای یادگیری آن‌ها صرف کنید، اولویت‌بندی کنید. تعادل به‌معنای تساوی نیست. تعادل وقتی رعایت می‌شود که درس و مبحثی را بیشتر بخوانید که نیاز بیشتری هم به توجه دارد. بهتر است هنگامی که بیشترین آمادگی ذهنی را دارید، دشوارترین درس را مطالعه کنید. استراحت بین وعده‌های مطالعاتی را جدی بگیرید و به کیفیت زمان استراحت خود فکر کنید.

## چراغ هدایت – اثبات کن مؤمن!

اوضاع سختی شده بود. یزید به امام حسین علیه‌السلام فشار آورده بود که بیعت کنند. حضرت هم امکان نداشت با فاسقی مثل یزید به عنوان خلیفه مسلمانان بیعت کنند. از مدینه به مکه آمدند. مردم کوفه نامه نوشتند که بیایید سمت ما. آزمون سختی بود. خیال کرده بودند همین که امام را به شهرشان دعوت کردند کار تمام است. ابن‌زیاد حاکم کوفه شد و با انواع حیله‌ها و زورگویی‌ها مردم را از حمایت حضرت ترسانيد. عده بسیار کمی خود را به امام رساندند. کار آن‌ها سخت‌تر هم شد. خانه‌هایشان را غارت کردند و خودشان را در نبردی دشوار، با قساوت تمام کشتند. همین که گفتی ایمان آوردم، رها نمی‌شوی. باید اثباتش کنی! کل زندگی برای اثبات همین است.

**اَحَسِبَ النّاسُ اَن یُترَکوا اَن یَقولوا آمَنّا وَ هُم لا یُفتَنونَ[[2]](#footnote-2)**

آیا مردم پنداشتند که چون بگویند «ایمان آوردیم» (به حال خود) رها می‌شوند و آنان آزمایش نمی‌شوند؟

1. هِشت: به جا گذاشت [↑](#footnote-ref-1)
2. عنکبوت، 2 [↑](#footnote-ref-2)